

خبر

معاون رئیس جمهور:

۸۳ درصد رتبه‌های برتر کنکور در کشور می‌مانند



حسین افشین، معاون علمی و فناوری رئیس جمهور اظهار کرد: رفتن نخبران خیلی مسئله نیست، اینکه بتوانیم چه تعداد از آن‌ها را برگردانیم، مهم است و این موضوع باید دغدغه کشور باشد. طی سال‌های اخیر، حدود ۸۳درصد رتبه‌های یک تا ۳۰۰ کنکور در داخل کشور حضور دارند و همچنین میزان ماندگاری مدال‌آوران طلای دانش آموزی نیز حدود ۸۳درصد در میان بانوان و ۸۴درصد در میان آقایان گزارش شده است. افشین گفت: اینکه یک نخبه ایده داشته باشد و بتواند شرکت راه‌اندازی و برای خود و دیگران کسب‌وکار ایجاد کند، از اهداف ماست که از این افراد حمایت‌هایی مانند اعطای تسهیلات انجام می‌شود. اعطای تسهیلات از طریق صندوق نوآوری و شکوفایی یکی از روش‌های حمایتی ماست. حدود ۱۱ هزار شرکت دانش‌بنیان در کشور وجود دارد و تأمین منابع مالی را تنوع بخشیده‌ایم.

رئیس دانشگاه صنعتی شریف:

پیش‌فرض تربیت دانشجویان شریف برای خارج از کشور «غلط» است

مسعود تجریشی، رئیس دانشگاه صنعتی شریف با رد این پیش‌فرض که این دانشگاه، دانشجویان و نخبران را برای فعالیت در خارج از کشور تربیت می‌کند، به ایسنا گفت: تعداد دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران که به خارج کشور می‌روند، بیشتر از دانشگاه صنعتی شریف است؛ بنابراین این پیش‌فرض غلط است که دانشگاه صنعتی شریف افراد را برای خارج از کشور تربیت می‌کند.

تجریشی ادامه داد: گزارشی وجود دارد که نشان می‌دهد المپیادهای هوش مصنوعی در دنیا در چه جایگاهی قرار دارند و دانشگاه صنعتی شریف در این زمینه رتبه چهارم را دارد. سؤال من این است بنیادها و نهادهایی که مسئول این افراد هستند، بایاند گزارشی ارائه دهند که چه کمکی به دانشگاه می‌کنند تا دانشگاه بتواند این افراد را در داخل کشور نگه دارد. با تمام تحریم‌هایی که داشته‌ایم و با تمام کمبودهای بودجه‌ای که با آن مواجه بوده‌ایم، دانشگاه صنعتی شریف همچنان در میان ۱۰۰ تا ۱۲۵ دانشگاه فنی برتر دنیا قرار دارد.

رئیس مرکز طب ایرانی و مکمل وزارت بهداشت مطرح کرد

هشدار درباره ادعاهای غیرعلمی طب سنتی در فضای مجازی



به گزارش ایسنا؛ حسین رضایی‌زاده، رئیس مرکز طب ایرانی و مکمل وزارت بهداشت یکی از مهم‌ترین باورهای نادرست در جامعه را تصور بی‌ضرر بودن فرآورده‌های گیاهی و طبیعی دانست و گفت: اینکه تصور کنیم یک فرآورده چون گیاهی یا طبیعی است، اگر اثر درمانی نداشته باشد، ضرری هم ندارد، یکی از نادرست‌ترین باورهاست.

گسترش این تفکر می‌تواند زمینه‌ساز خطرات بالقوه و بالفعل برای سلامت مردم شود. به‌ویژه در شرایطی که مردم به دلیل علاقه یا اعتماد به داروهای طبیعی و گیاهی، ممکن است تحت تأثیر ادعاهای غیرعلمی قرار گیرند.

وی با اشاره به فعالیت گسترده افراد و جریان‌های غیرمتخصص در فضای مجازی افزود: گاهی تبلیغاتی منتشر می‌شود که یک روش درمانی را برای ده‌ها یا حتی صدها بیماری توصیه می‌کند، در حالی که مشخص نیست این ادعاها بر اساس چه مطالعه‌ای مطرح شده و چه کسی اثر بخشی و ایمنی آن‌ها را اثبات کرده است.

یک مسئول سازمان غذا و دارو اظهار کرد

واکنش به تبلیغات دارویی

به گزارش ایفانا، فرهاد حبیبی، جانشین و دستیار اجرایی رئیس سازمان غذا و دارو اظهار کرد: رعایت ضوابط تبلیغات دارویی موضوعی است که سازمان غذا و دارو نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد؛ چراکه نحوه ارائه اطلاعات درباره دارو با سلامت مردم و تصمیم‌گیری صحیح درباره مصرف فرآورده‌های دارویی ارتباط مستقیم دارد.

وی افزود: در عین حال، رویکرد سازمان غذا و دارو در مواجهه با مسائل و تخلف‌های تبلیغاتی، صرفاً برخورد سلبی نیست و تلاش می‌کنیم موضوعات ابتدا از مسیر گفت‌وگو، تذکر و تعامل با شرکت‌ها بررسی و اصلاح شود.

انتظار سازمان غذا و دارو این است که شرکت‌های دارویی فعالیت‌های تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی خود را در چارچوب قوانین، ضوابط ابلاغی و اصول اخلاق حرفه‌ای انجام دهند و از انتشار محتوایی که می‌تواند موجب برداشت نادرست، ایجاد تقاضای غیرمنطقی یا مصرف ناصحیح دارو شود، پرهیز کنند.

■ چگونه می‌توان به فردی که واقعاً فرصت‌ها، سرمایه یا

سال‌هایی از زندگی‌اش را از دست داده، گفت‌از گذشته عبور کند، بدون اینکه رنج او را انکار کنیم یا با توصیه‌های ساده‌ای مثل «مثبت فکر کن» مسئله را کوچک جلوه دهیم؟

برای کمک به کسی که رنج واقعی باختن و از دست دادن را چشیده، ضروری‌ترین و نخستین کار این است که شعارهای زردم‌نبت‌اندیشی سمی را کنار بگذاریم. جملاتی مثل «حتماً حکمتی داشته» یا «اصلاً ناراحت نباش، دوباره می‌سازی»، نمک‌روی زخم‌پاشیدن است و حس‌نادیده گرفته‌شدن و شرم را در او تقویت می‌کند. نقطه شروع واقعی، «اعتبار بخشیدن به درد و سوگاری سالم» است. باید در کنار او نشست و با صراحت گفت: «بله، تو واقعاً ضرر کردی، سال‌ها سرمایه‌ات سوخت و این درد سنگینی است؛ حق داری سوگوار باشی، گریه‌کنی و عصبانی باشی». این پذیرش صمیمانه قفل‌های روانی را باز می‌کند.

مرحله بعد، تعبیر زاویه دید از «قربانی گذشته بودن» به «معمار آگاه باقیمانده عمر» است. باید به او یادآوری کرد خرد، عمق و درکی که امروز دارد، بهای گزافی داشته که از جیب عمرش پرداخته است؛ بنابراین او دیگر آن آدم خام‌و بی‌تجربه گذشته نیست. وقتی دوره سوگ طی شد، می‌توان پرسید: «با این کوله‌بار از تجربه تلخ و با این خاکی که باقی مانده، امروز چه خشتی می‌توانیم بگذاریم؟». عبور واقعی از گذشته به معنای فراموش کردن یا زی‌با جلوه دادن اتفاق‌های تلخ نیست؛ بلکه به معنای «به رسمیت شناختن زخم و متوقف کردن خون‌ریزی» است. باید به فرد کمک کنیم روی آنچه هنوز در حیطه اختیار او است متمرکز شود، هرچند اندک باشد. حرکت با گام‌های بسیار کوچک و واقعی، بدون چشم‌داشت به نتایج شگفت‌انگیز فوری، به فرد کمک می‌کند احترام به نفس خود را با بازپس گیرد و معنایی جدید از دل خاکستر رنج‌هایش بیافریند.

■ اگر احساس خسران فقط یک مسئله فردی نیست و از شرایط جامعه هم تأثیر می‌گیرد، خانواده، رسانه‌ها و نهادهای اجتماعی برای کاهش حس عقب‌ماندگی و بازگرداندن امید به مردم چه کاری می‌توانند انجام دهند؟

احساس خسران در جامعه زمانی فروکش می‌کند که مسئولیت آن میان فرد و ساختارهای اجتماعی به درستی تقسیم‌شود. در سطح نخست، «خانواده» به عنوان نخستین سنگر عاطفی باید به محیطی امن و به‌دور از مسابقه مقایسه تبدیل شود. والدین باید فرهنگ ارزش‌گذاری مشروط را متوقف کنند؛ یعنی از سرکوفت زدن، مقایسه فرزندان با دیگران و تحمیل آرزوهای ناکام خود به نسل بعد دست بردارند. خانواده باید فضایی باشد که در آن شکست به عنوان بخشی طبیعی از یادگیری پذیرفته شود، نه پایان دنیا یا مایه بی‌آبرویی.

در سطح دوم، وظیفه‌ای بنیادین دارند. رسانه‌ها باید تعریف موفقیت را از انحصار پول، تجمل، موقعیت‌های استثنایی و شهرت‌های یادآورده خارج کنند. بازتاب دادن داستان‌های واقعی از زندگی انسان‌های معمولی، نشان دادن مسیرهای پرپیچ‌وخم و نمایش شکست‌ها در کنار پیروزی‌ها، به جامعه کمک می‌کند تا استانداردهای واقع‌بینانه‌ای برای زندگی داشته باشد. رسانه‌ها همچنین باید با شکستن روایت‌های تاریخی نامیدی و ترومای جمعی، به بازنویسی قصه‌های امیدبخش و ترویج فضیلت‌های اخلاقی و پیوندهای انسانی بپردازند.

در نهایت، «نهادهای اجتماعی و سیاست‌گذاران» باید زیرساخت‌هایی برای ثبات و ایجاد فرصت‌های برابر فراهم کنند. جامعه‌رمانی احساس آرامش می‌کند که افراد مطمئن باشند تلاش‌هایشان بر اثر تکان‌های شدید از بین نمی‌رود. ایجاد فرصت‌های بازآموزی برای تمام‌سنین و رفع تبعیض‌های سنی در بازار کار، به مردم این پیام را می‌دهد که زندگی در یک سن خاص تمام نمی‌شود. وقتی نهادهای اجتماعی فضای مشارکت، گفت‌وگو و شفاف‌ومهربانی جمعی را تقویت کنند، حس بی‌پناهی کاهش یافته و امید واقعی جایگزین ترس از عقب‌ماندگی خواهد شد.



من اشتباه نمی‌کردم، اوضاع عالی بود؛ پس کنترل زندگی دست من بود». این نوع سرزنش درواقع سپری است برای فرار از این واقعیت تلخ که زندگی پر از اتفاق‌های غیرقابل‌پیش‌بینی است و انسان در هر لحظه، دانشی محدود دارد.

همچنین این پدیده بیانگر نیازی ناسالم به «کمال‌گرایی مطلق» است؛ فرد نمی‌خواهد پذیرد اشتباه کردن، شکست خوردن و ندادنستن، بخش‌های جدایی‌ناپذیر رشد انسانی هستند. ما وقتی مدام حسرت گذشته را می‌خوریم، در حقیقت داریم با خودمان معامله می‌کنیم، رنج حسرت گذشته را به جان می‌خریم تا با ترس از عمل‌گرایی، شجاعت تغییر و تصمیم‌گیری در شرایط ناقص امروز روبه‌رو نشویم. این گذشته‌گرایی افراطی، انرژی روانی فرد را می‌بلعد و او را در بی‌ست‌خودسرزنی منجمدمی‌کند.

■ کسی که دائم زندگی امروز خود را با گذشته یا زندگی دیگران مقایسه می‌کند، ممکن است چه فرصت‌هایی را در زمان حال از دست بدهد؟

بزرگ‌ترین و جبران‌ناپذیرترین هزینه‌ای که فرد برای مقایسه مداوم می‌پردازد، «غیبت کامل از زندگی واقعی خودش» است. وقتی چشم و حواس انسان دائم به مسیر دیگران یا روزهای از دست رفته گذشته دوخته شده باشد، از دیدن بذرهایی که همین امروز زیر پایش وجود دارد غافل می‌شود. مثل باغبانی که درخت پرمیوه باغ خود را رها کرده تا باغ همسایه را تماشا کند. فرد در دام مقایسه، از آبیاری توانمندی‌ها و امکان‌های کوچک فعلی‌اش بی‌م‌اند و زمین خودش را به خشکی می‌کشاند.

نخستین قربانی مقایسه، «خلاقیت و اصالت» است. خلاقیت زمانی شکوفای می‌شود که فرد با شجاعت به درون خود نگاه کند و راه اختصاصی‌اش را بسازد؛ اما کسی که مقایسه می‌کند، مدام در حال کپی برداری از دستاوردهای دیگران یا تلاش برای شبیه‌شدن به نسخه جوانی خودش است. این کار انرژی روانی فوق‌العاده‌ای مصرف می‌کند و منجر به فرسودگی، احساس حقارت و حسادت پنهان می‌شود.

علاوه بر این، مقایسه، ارتباط انسان را با «لذت‌های ساده و معنار از کنون» قطع می‌کند. فرد دیگر نمی‌تواند از یک رابطه گرم، یک فنجان چای در آرامش یا یک پیشرفت کوچک شغلی شادمان شود، چون بلافاصله آن را با موفقیت‌های بزرگ‌تر دیگران سبک‌سنگین می‌کند و بی‌ارزش می‌شمارد. درنهایت، مقایسه موجب می‌شود فرد فرصت طلایی «پذیرش واقعیت» را از دست بدهد؛ او به جای اینکه منابع فعلی‌اش را جمع‌آوری کند و گامی متناسب با شرایط واقعی امروز بردارد، در گرداب ناکافی بودن غرق می‌شود و زمانی به خود می‌آید که همین فرصت‌های امروز هم به گذشته پیوسته و به حسرت جدیدی بدل شده‌اند.

چیز حاصل برخورد پرشتاب دنیای مدرن با سرشت آرام و زمانبر روان انسان است. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که به دلیل سرعت سرسام‌آور فناوری و انتشار اطلاعات، همه چیز باید فوری به دست بیاید؛ از غذا و اخبار گرفته تا موفقیت، ثروت و شهرت. این سرعت غیرطبیعی، ساعت بیولوژیکی و روانی انسان‌ها را به هم ریخته و نوعی «توهم پیری زودرس» پدید آورده است؛ به طوری که یک جوان بیست و چند ساله احساس می‌کند تمام فرصت‌های دنیا تمام شده و او جا مانده است.

از سوی دیگر، ساختار دنیای مصرف‌زده ارزش انسان را تنها به میزان «بهره‌وری مادی»، دستاوردهای شغلی و توان خرید تقلیل داده است. وقتی ارزش وجودی یک انسان با این معیارهای بیرونی سنجیده شود، هر مکتبی، هر تأملی و هر دوره‌ای از سردرگمی، به عنوان هدر رفتن عمر تلقی می‌شود. در کنار این مسئله، نقش شبکه‌های اجتماعی بسیار مخرب‌بوده است. افراد روزانه با ویرتینی جذاب، بی‌نقص و دستنچین‌شده از موفقیت‌های دیگران بمباران می‌شوند، بدون آنکه رنج‌ها، شکست‌ها و پشت‌صحنه خاکستری آن زندگی‌ها را ببینند. ذهن ناخودآگاه در دام مقایسه می‌افتد و زندگی واقعی و پر از چالش خود را با لحظات گرینش شده دیگران می‌سنجد. علاوه بر این، شرایط دشوار اقتصادی و نااطمینانی‌های اجتماعی سبب شده افراد احساس کنند توان برنامه‌ریزی بلندمدت را از دست داده‌اند. ترکیب این عوامل، مسابقه‌ای نامرئی، فرساینده و بی‌پایان پدید آورده که در آن افراد دائم نفس‌زنان به جلومی‌دوند، اما در درون احساس می‌کنند بازنده‌ای هستند که قطار خوشبختی را از دست داده‌اند.

■ چرا ذهن بعضی افراد دائماً به گذشته برمی‌گردد و دوره‌های قبلی زندگی را بهتر از آنچه واقعاً بوده به خاطر می‌آورد؟ تکرار جمله‌هایی مثل «کاش آن تصمیم را نمی‌گرفتم» یا «کاش به گذشته برمی‌گشتم» چه نیازی را در فرد نشان می‌دهد؟ پناه بردن مداوم ذهن به گذشته و غرق شدن در نوستالژی، یک «مکانیسم دفاعی روانی» برای فرار از اضطراب زمان حال و هراس از ابهام آینده است. آینده همیشه ناشناخته، غیرقابل‌پیش‌بینی و نیازمند تصمیم‌گیری‌های پرریسک است؛ در مقابل، گذشته هرچقدر هم که سخت بوده باشد، پرونده‌ای تمام‌شده، بسته و بی‌خطر است. ذهن انسان برای محافظت از خود در برابر ناامنی‌های امروز، به گذشته رنگ و لعابی رویایی می‌زند. تلخی‌هایش را فیلتر می‌کند و از آن یک پناهگاه امن می‌سازد تا از بار سنگین مسئولیت‌های فعلی‌شانه‌خالی کند.

تکرار جملاتی مثل «کاش فلان تصمیم را نمی‌گرفتم»، نشان‌دهنده نیازی عمیق به داشتن حس کنترل بر سرنوشت است. وقتی فرد خودش را برای انتخاب‌های سال‌های گذشته سرزنش می‌کند، ناخودآگاه به خودش تسلی می‌دهد که «اگر

محدثه رضایی | «ای کاش همان موقع با پولی که داشتیم خانه می‌خریدیم»، «ای کاش هیچ‌وقت سراغ این آدم نمی‌رفتم»، «ای کاش به جای دانشگاه رفتن، دنبال کار می‌رفتم»، «ای کاش مهاجرت می‌کردم»....

دکتر محمدجواد غلامرضا کاشی، پژوهشگر، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه علامه طباطبایی، در کتاب سیاستی دیگر می‌نویسد: «آن رفیق بیست‌ساله‌ای که سربک بحث‌سیاسی از دستش دادی، آن سفره خانوادگی که با یک اختلاف‌نظر به هم ریخت و آن آدمی که فقط به خاطر سبک زندگی‌اش از چشمت افتاد؛ آیا هیچ‌کدام از این عقیده‌ها ارزش از دست‌دادن یک رابطه واقعی را داشتند؟

... عشق، دوستی، مسئولیت و ایمان بی‌واسطه اصل اند، اما ما گاهی اجازه داده‌ایم سیاست و اختلاف‌های عقیدتی این اصل‌ها را بلعند. ساعت‌ها درگیر دعوایی می‌شویم که اساساً دعوای ما نیستند و در همان حال، از آدم‌های واقعی اطرافمان دور می‌مانیم. بعد هم آه می‌کشیم و با حسرت از گذشته‌ای حرف می‌زنیم که تصور می‌کنیم در آن همه چیز سر جای خودش بود». غلامرضا کاشی می‌خواهد بگوید نتیجه این همه آه کشیدن‌ها و ای کاش گفتن‌ها و احساس از دست دادن عمر و فرصت‌ها، از دست دادن لحظه‌های اکنون، دوستی‌ها و رفاقت‌های امروز است.

عابده بهمن‌پور، پژوهشگر و طراح آموزشی در گفت‌وگو با ما ضمن بررسی چرایی این حال، راهکارهایی را برای گذر از آن پیشنهادمی‌کند.

■ بعضی افراد با وجود اینکه اتفاق تلخ مشخصی برایشان رخ نداده، مدام آه می‌کشند و می‌گویند «زندگی آن‌طور که می‌خواستم پیش نرفت». آیا این همان احساس خسران است؟ چگونه می‌توان آن را از غم روزمره، افسردگی یا ناامیدی تشخیص داد؟

بله، این حالت نمونه بارز «خسران وجودی» است؛ دردی عمیق که بدون وجود یک فاجعه بیرونی، روح انسان را کدر می‌کند. تفاوت بنیادین آن با «غم روزمره» در این است که غم واکنشی گذرا به یک اتفاق مشخص است و «افسردگی» نیز سیستم روانی را بی‌حس و منفعل می‌کند؛ در حالی که خسران، ناشی از هوشیاری گرنده نسبت به فاصله میان «من واقعی» و «من تحقق‌یافته» است. اما ریشه این آه کشیدن‌های مداوم فراثر از تجربیات شخصی است و به «لاین ژنی» و باورهای روانی-زیستی نیاکان ما بازمی‌گردد. بسیاری از ما ناخودآگاه میراث‌دار حسرت‌ها، اضطراب‌های بقا، رویاهای ناکام و احساس بی‌ارزشی سرکوب‌شده نسل‌های قبلی خود هستیم. این کدهای رفتاری و عاطفی از طریق الگوهای تربیتی و حافظه بین‌نسلی منتقل می‌شوند؛ به همین دلیل فرد بدون آنکه بداند، سنگینی شکست‌ها و ترس‌های اجدادش را بر دوش می‌کشد و آن را خسران زندگی خود تعبیر می‌کند.

برای قطع کردن این زنجیره نسلی، مسیر از یک آگاهی عمیق و شجاعانه آغاز می‌شود؛ اینکه یاد بگیریم با نگاهی نظاره‌گر و بدون قضاوت، از خود بیرسیم آیا این ترس از پیش رفتن و این حسرت مدام، تجربه زیسته خود ماست یا پژواک صدای نیاکانمان؟ وقتی با احترام به رنج گذشتگان، مرز هویت خود را از بارهای تحمیلی آن‌ها تفکیک کنیم، می‌فهمیم که هیچ الزامی برای تکرار سرنوشت ناکام آن‌ها وجود ندارد. در چنین نقطه‌ای، با بازپایی عاملیت در لحظه حال، از نقش یک قربانی موروثی فاصله گرفته و به معمار آگاه زندگی خود تبدیل می‌شویم؛ انتخابی شجاعانه برای زیستن اصیل که نه تنها مدار کهنه حسرت و احساس گناه را در درونمان خاموش می‌کند، بلکه مانع انتقال این بار سنگین به عنوان میراثی تاریک به نسل‌های بعدی می‌شود.

■ به نظر شما چرا این روزها جملاتی مانند «عمرمان تلف شد»، «از زندگی عقب ماندم» یا «دیگر برای شروع دیر شد» را بیشتر می‌شنویم؟ چه اتفاقی افتاده که احساس از دست دادن در جامعه فراگیر شده است؟

فراگیر شدن حس عقب‌ماندگی در جامعه امروز، بیش از هر

خبر مشروح

معاون پیشگیری و بازتوانی اعتیاد سازمان بهزیستی کشور در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به اینکه سازمان بهزیستی به‌صورت مستمر بر روند نحوه فعالیت کمپ‌های ترک اعتیاد نظارت دارد، بر ممنوعیت مصرف دارو در این مراکز اقامتی تأکید کرد و گفت: در این مراکز، توزیع دارو به فرد دارای اعتیاد به هر شکل ممنوع است.

مشایخی تأکید کرد: مصرف داروهای درمان اعتیاد در کمپ‌های سازمان بهزیستی ممنوع بوده و تنها به‌شیوه پرهیزمر انجام می‌شود؛ به عبارتی بستری و درمان از طریق جلسات بهبودی انجام می‌شود و به هیچ عنوان با دارو صورت نمی‌گیرد، زیرا روش درمانی در مراکز اقامتی نیز براساس فعالیت گروه‌های خودیار و کمک یک فرد دارای تجربه اعتیاد به فرد دیگر است.

وی افزود: در این مراکز، برنامه‌های درمانی، مهارت‌های زندگی، کنترل استرس و برنامه‌های روان‌شناس محور اجرایی شود و رویکرد پزشک محور نیست. از همین رو، اگر در کمپ‌ها داروی درمان اعتیاد مصرف شود، آن کمپ تعطیل شده و با آن به‌عنوان متخلف برخورد خواهد شد.

معاون پیشگیری و بازتوانی اعتیاد سازمان بهزیستی با اشاره به اینکه سال گذشته ۷ هزار و ۲۱۷ بازپذید از حدود ۹۰۰۰ مرکز انجام شد، درباره نحوه برخورد با مراکز متخلف گفت: برخورد با مراکز متخلف، بسته به نوع تخلف، از تذکر، اخطار اول و اخطار دوم تا تعطیلی مرکز متغیر است، اما اگر تخلف شدید باشد و موضوع به جان و سلامت انسان مربوط شود، همان لحظه توسط کمیسیون نظارتی ماده ۲۶ که در سازمان بهزیستی فعال است، مرکز تعطیل می‌شود.

معاون پیشگیری و بازتوانی اعتیاد سازمان بهزیستی بیان کرد

مصرف داروهای درمان اعتیاد در کمپ‌های ترک اعتیاد، ممنوع!

وی ادامه داد: در این میان نیز طبیعتاً مراکزی وجود داشته‌اند که به دلیل تخلفات

تعطیل شده‌اند و حتی در مواردی، موضوع وارد مسائل دیگری از جمله مسائل قضایی نیز شده است.

مشایخی در ادامه با اشاره به تخلفات صورت گرفته در برخی کمپ‌های ترک اعتیاد گفت: این مراکز مسئول فنی دارند؛ به این معنا که یک پزشک به‌عنوان مسئول فنی کمپ فعالیت می‌کند و یک مدیر داخلی نیز که دارای تحصیلات روان‌شناسی است، مسئول درمان در مرکز است. کمپ‌ها برای رسیدگی به امور درمانی پس از ترخیص نیز دارای مددکار هستند.

وی با تأکید بر ضرورت توجه رسانه‌ها به تفاوت میان مراکز مجاز و غیرمجاز خاطرنشان کرد: ۹۵ درصد اتفاقاتی که در این کمپ‌ها رخ داده و فیلم آن‌ها

رسانه‌ای شده است، مربوط به کمپ‌های غیرمجاز بوده است. مشایخی درباره فرایند صدور مجوز کمپ‌های ترک اعتیاد توضیح داد: پیش از اینکه فرد بخواهد کمپ ایجاد کند، مصاحبه، بررسی و مجموعه‌ای از اقدامات قانونی انجام می‌شود تا در نهایت مجوز صادر شود. پس از دریافت مجوز نیز نظارت‌ها توسط بهزیستی شهرستان‌ها، استان‌ها و حتی سازمان بهزیستی کشور انجام می‌شود. هر فرد دارای اعتیاد که در یک مرکز پذیرش می‌شود، باید بلافاصله در سامانه ثبت شود و پس از آن نیز تمامی خدمات شامل مشاوره دریافتی آن روز، خدمات مددکاری، ویزیت پزشک و دیگر اقدامات ثبت می‌شود. معاون پیشگیری و بازتوانی اعتیاد سازمان بهزیستی با اشاره به اینکه در گذشته تخلفاتی نیز در برخی مراکز شکل گرفته است، گفت: متأسفانه تخلفاتی نیز

